





تابستان ۱۳۹۰

## فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Number 5, Jul-Sep 2011  
Just Peace Diplomacy Journal  
International Peace Studies Centre (IPSC)  
[www.peace-ipsc.org](http://www.peace-ipsc.org)  
ISSN 2043-9016 (Print)  
ISSN 2043-9024 (Online)

**English Articles 1-78**

**Persian Articles 79-206**



**IPSC**

International Peace Studies Centre

## فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

### Articles

### فهرست

**The New Egypt and the change of the balance of power in the Middle East**  
Seyed G Safavi  
[1-10]

- تروریسم: گونه شناسی جدید مبتنی بر آگاهی توزیع شده  
دکتر سید یحیی صفوی، دکتر علیرضا فرشچی  
{۷۹-۹۸}

**Hizb al-Tahrir al-Islami (Islamic Party of Liberation) and Future of Islamism in Central Asia**  
Farhad Navaei  
[11-30]

- جدال در حاشیه و رویارویی ژئوپلیتیکی با ایران  
ابراهیم منقی {۹۹-۱۱۶}  
- بحران سوریه و بازآفرینی انقلاب‌های رنگی در دوران  
اویاما، دکتر زهره پوستینچی {۱۱۷-۱۲۴}

**Poverty and Its Impact on the Spread of Islamic Fundamentalism in the Sub – Continent (Case Study: Bangladesh)**  
Mehdi Madani and Mehdi Toosi  
[31-48]

- تحولات سوریه و سناریوهای احتمالی: تحلیل بر  
اساس مدل سناریو نویسی ادراکی  
محمد صادق جوکار {۱۲۵-۱۵۴}

**Neo-Islamism in Chechnya and Wahhabism**  
Abazar Barari  
[49-66]

- امریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های  
ژئوپلیتیکی ایران - عربستان  
دکتر طاهره ترابی {۱۵۵-۱۷۴}

**Revisiting the Chechen Crisis through an Iranian Prism Historical and Strategic Considerations**  
Kafkazli Seyed Javad  
[67-78]

- تحلیل و بررسی آینده لیبی پس از قذافی  
گفتگو با دکتر احمد بخشی {۱۹۳-۲۰۲}  
- سیاست دوگانه ی عربستان سعودی در قبال تحولات  
خاورمیانه گفتگو با دکتر علی اکبر اسدی  
{۲۰۳-۲۰۶}

*Persian Articles [79-206]*

مقالات انگلیسی {۱-۷۸}

## بحران سوریه و باز آفرینی انقلاب‌های رنگی در دوران اوباما

دکتر زهره پوستین‌چی

استادیار دانشگاه آزاد - واحد رودهن

### چکیده

سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در حوزه‌های مختلف جغرافیایی مبتنی بر مداخله‌گرایی است. تحقق چنین هدفی از طریق الگوهای رفتاری مختلف شکل می‌گیرد. انقلاب‌های رنگی را می‌توان به عنوان یکی از الگوهای مداخله‌گرایی آمریکا در اولین دهه‌ی قرن ۲۱ دانست. جورج بوش از عملیات پیش‌دستانه برای مقابله با طالبان و صدام حسین استفاده نمود. جورج بوش حوزه نفوذ آمریکا در برخی از حکومت‌های رادیکال و اقتدارگرا را از طریق انقلاب‌های رنگی گسترش داد. این الگو در دوران ریاست جمهوری اوباما با تغییراتی روبرو گردیده است. نشانه‌ی چنین فرایندی را می‌توان در ارتباط با موج جدیدی از انقلاب‌های رنگی دانست.

موج تحولات دموکراتیک از سوی گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین و مجموعه‌های سلفی در سوریه در حال گسترش است. دولت آمریکا، چنین تحولی را به عنوان فرصت سیاسی جهت دگرگونی شکل‌بندی ژئوپلیتیکی قرار داده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا الگوهای رفتاری آمریکا در قالب انقلاب رنگی جدید در خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین آمریکا از

فرایندهای تحرک دموکراتیک شهروندان سوریه در جهت بی‌ثبات سازی ساختاری و کاهش مشروعیت حکومت بشار اسد در نظام بین الملل استفاده به عمل می‌آورد. واژگان کلیدی: انقلاب اجتماعی، انقلاب رنگی، تحریم اقتصادی، براندازی سیاسی، تهییج گروه-های اجتماعی، عملیات روانی.

### مقدمه

ادبیات انقلاب‌های رنگی براساس سازماندهی انتقال موج‌های سیاسی کشورهای غربی به واحدهای سیاسی در حال گذار انجام گرفته است. ساموئل هانتینگتون، شکل‌گیری چنین فضایی را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد بررسی تحلیلی قرار داد. وی بر این اعتقاد است که در دوران جدید، موج‌های انقلاب فاقد رویکرد رادیکال بوده و براساس «آموزه‌های دموکراتیک» شکل می‌گیرند. وی چنین فرایندی را با عنوان «موج سوم دموکراسی» مورد بررسی تحلیلی قرار داد. بر اساس نگرش هانتینگتون، فضای سیاسی و اجتماعی دوران موجود از آمادگی قابل توجهی برای تغییر در الگوهای تاکتیکی و بهره‌گیری از هنجارهای سیاسی دموکراتیک برخوردار شده است. (۱)

ارزیابی انقلاب‌های رنگی نشان می‌دهد که در دوران جدید، نشانه‌هایی از رابطه‌ی «کنش سیاسی» و مفاهیم اجتماعی» به وجود آمده است. بنابراین، هرگونه مداخله در امور سیاسی و رفتار راهبردی کشورها، از طریق محیط و فرایندهای اجتماعی - فرهنگی انجام می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده است تا فرایندهای انقلاب رنگی در سوریه به عنوان کشوری رادیکال و انقلابی در خاورمیانه و مدیترانه شرقی مورد توجه و ارزیابی تحلیلی قرار گیرد.

براساس چنین ادراک و تحلیلی، سرویس‌های امنیتی کشورهای جهان غرب درصدد برآمدند تا زمینه‌های دگرگونی اجتماعی و سیاسی را در کشورهای مختلف جهان به وجود آورند. این امر از طریق بهره‌گیری از مفاهیم ارزشی - هنجاری جهان غرب برای ایجاد کنش گروه‌های سیاسی در جوامع هدف انجام می‌گیرد. بنابراین، آنچه به عنوان «قدرت نرم» و «دیپلماسی عمومی» مطرح شد را می‌توان شکل‌های جدیدی از کنش سیاسی دانست که در فضای فرهنگی و ادراکی جوامع به وجود آمده، زمینه‌ی شکل‌گیری موج‌های اعتراضی برای تاثیرگذاری بر فرایندهای حکومتی سوریه را در قالب آموزه‌ها و هنجارهای غرب محور فراهم می‌ساخت.

دیپلماسی عمومی به عنوان الگوی جایگزین در برابر دیپلماسی رسمی محسوب می‌شد. این فرایند می‌بایست از طریق حوزه‌های ارتباط اجتماعی، رسانه‌ها و فضای مجازی ایجاد شده و در نهایت، شرایط لازم را برای تهییج افکار عمومی در جهت مقابل با سیاست‌های عمومی کشورها و نهادهای رسمی فراهم آورد. نشانه‌های چنین فرایندی را می‌توان در سوریه مورد ملاحظه قرار داد. رسانه‌ها، دیپلماتها، سوژه‌های اطلاعاتی و فرایندهای امنیتی امریکا چنین نشانه‌هایی را در سوریه و در برخورد با حکومت بشار اسد منعکس می‌سازد. (۲)

شکل‌گیری انقلاب رنگی نیازمند مقدمات و نیازهای اجتماعی اولیه است. فرایندهای معطوف به فرهنگ‌سازی، هنجارسازی و تهییج گروه‌های اجتماعی در این رابطه انجام می‌شود. در این دوران، انتظارات اجتماعی فراتر از توان ساختاری ارائه می‌شود. راهبرد انقلاب‌های رنگی را می‌توان فعال-سازی فرایند «نافرمانی مدنی» دانست؛ روندی که موج‌های اصلی مقابله با سیاست‌های رسمی حکومت سوریه را به وجود آورده است. (۳)

اگر امریکا از ادبیات قدرت نرم استفاده نماید و یا اینکه در برخورد با کشورهای هدف از ابزارهایی همانند حقوق بشر، دموکراسی، آزادی و فرایندهای کنش انتخاباتی بهره‌گیری کند، طبیعی است که قادر به همکاری با طیف گسترده‌تری از بازیگران از جمله نهادهای بین‌المللی خواهد شد. امریکا از چنین الگویی در برخورد با سوریه استفاده کرده است. موج جدید مداخلات امریکا در منطقه بیانگر آن است که اوباما از الگوی مهندسی امنیتی در سوریه استفاده کرده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا نشانه‌های انقلاب رنگی امریکا در سوریه مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱- تاکتیک‌های انقلاب‌های رنگی اوباما در سوریه

اگرچه عده‌ای فکر می‌کردند که سیاست تغییر اوباما معطوف به گسترش همکاری با کشورهای خاورمیانه می‌باشد، اما الگوی رفتار دولت اوباما در برخورد با ایران، سوریه و گروه‌های رادیکال منطقه‌ای نشان داد که صرفاً تاکتیک‌های رفتاری امریکا در شرایط تغییر قرار گرفته است. اوباما از تاکتیک‌های پیچیده و در قالب الگوهای نرم افزاری در برخورد با سوریه، ایران و سایر بازیگران انقلابی بهره می‌گیرد. این امر مخاطرات امنیتی بیشتری را برای ایران و سایر کشورهای خاورمیانه ایجاد می‌کند. اصلی‌ترین نشانه‌های انقلاب رنگی سوریه که مبتنی بر تاکتیک‌های اطلاعاتی باراک



اوباما در زمان مسئولیت دیوید پترائوس در سازمان اطلاعات مرکزی امریکا می‌باشد را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

#### الف) گسترش اعتراضات اجتماعی

به طور کلی، انقلاب رنگی در سوریه از طریق گسترش اعتراضات اجتماعی، برای کاهش مشروعیت نظام سیاسی آن کشور سازماندهی شده است. در چنین فرایندی نه تنها گروه‌های اجتماعی سوریه درگیر تحولات معطوف به تغییر رژیم شده‌اند، بلکه بسیاری از کشورهای اتحادیه عرب و نهادهای بین‌المللی توسط امریکا بسیج و سازماندهی شده است. به عبارت دیگر؛ در روند انقلاب رنگی سوریه، بهره‌گیری از مشارکت سیاسی برای نافرمانی مدنی به وجود آمده است. (۴)

چنین فرایندی شرایط محیطی برای فرسایش ساخت‌های حکومتی را فراهم می‌کند. این امر را می‌توان به عنوان «تاکتیک دموکراتیک، برای «تغییر رژیم» و دگرگونی در ساخت‌های سیاسی کشورهای هدف دانست. تحلیل‌گران مسایل اجتماعی و امنیتی بر این اعتقادند که چنین نشانه‌هایی را باید نمادی از تحولات سازماندهی شده‌ی اجتماعی دانست. تحولاتی که می‌تواند زمینه‌ی دگرگونی در ساختار حکومتی کشورهای نامطلوب در اولویت‌های راهبردی امریکا را به وجود آورد.

سیاست تغییر اوباما در رفتار امنیتی آن کشور در برخورد با حکومت‌های اقتدارگرا قابل ارزیابی و تحلیل می‌باشد. اوباما در صدد برآمد تا از الگوهای دموکراتیک برای گسترش نفوذ امریکا در منطقه استفاده نماید. آنچه به عنوان بهار عرب شکل گرفته، مورد پذیرش اوباما قرار گرفته است. دولت امریکا تلاش دارد تا چنین روندی را به حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی منتقل نماید. بهره‌گیری از آموزه‌ی دموکراسی بدون توجه به شاخص‌های لیبرالیسم نمادی از انقلاب‌های رنگی در عصر اوباما محسوب می‌شود. نقطه‌ی محوری چنین فرایندی را می‌توان در ارتباط با سوریه مورد ملاحظه قرار داد.

انقلاب‌های اجتماعی مصر و تونس به تغییر سیاسی محدود منجر گردید. هیچ‌گونه دگرگونی بنیادین در سیاست امنیتی و راهبردی کشورهای یاد شده در این دوران به وجود نیامد. دولت اوباما با

سرکوب گروه‌های معترض در عربستان و بحرین موافقت نمود. سرنوشت تحولات یمن نیز تاکنون مبهم باقی مانده است. اگر چه برکناری علی عبدالله صالح اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما آینده‌ی سیاسی و جهت‌گیری سیاست خارجی یمن کاملاً مبهم است. دولت سوریه، سرنوشت کاملاً متفاوتی دارد. (۵)

### ب) تحریم اقتصادی سوریه

تحریم اقتصادی را می‌توان در زمره‌ی اقدامات معطوف به اعمال سیاست فشار دانست. سیاست فشار از این جهت به عنوان تاکتیک انقلاب رنگی محسوب می‌شود که زمینه‌های فرسایش قدرت حکومتی را به وجود می‌آورد. نظام‌های سیاسی در برابر تهدیدات نهفته و غیرمستقیم با آسیب‌پذیری بیشتری روبرو می‌شوند. این امر را می‌توان بخشی از واقعیت سیاسی قدرت در عصر جنگ نرم دانست. محدودیت‌های سیاسی زمینه‌ی کاهش قدرت اقتصادی را برای کشورها به وجود می‌آورد. برای تحقق چنین هدفی، باراک اوباما از الگوی تحریم اقتصادی چندجانبه‌ی سوریه بهره گرفت.

اگر تحریم اقتصادی سوریه به نتایج مطلوبی برسد، در آن شرایط نظام سیاسی حاکم بر سوریه با مشکلات گسترده‌ای روبرو می‌شود. سیاست تحریم علیه سوریه باید ماهیت چندجانبه داشته باشد. تحریم‌های یکجانبه باید به تحریم‌های چندجانبه تبدیل شود. تحریم‌های چندجانبه باید توسط شورای امنیت سازمان ملل مورد پذیرش و تصویب قرار گیرد. در این صورت، دولت بشار اسد با تهدیدات گسترده بین‌المللی روبرو می‌شود. تحریم یکجانبه آمریکا کارساز و مؤثر نیست. به همین دلیل است که آمریکا از الگوی تحریم اقتصادی سوریه در فضای چندجانبه استفاده نمود. (۶)

الگوی رفتاری آمریکا برای ایجاد محدودیت اقتصادی در سوریه، ماهیت مرحله‌ای و انتقال‌یابنده داشته است. شواهد رفتاری آمریکا از مارس تا نوامبر ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که تحریم‌های چندجانبه از آمریکا شروع می‌شود، به کشورهای اروپایی منتقل می‌گردد و از آنجا باید توسط کشورهای منطقه‌ای اعمال شود. ترکیه، قطر، کویت و عربستان سعودی ۴ کشوری می‌باشند که بیشترین روابط تجاری را با سوریه دارند. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که انتقال سیاست تحریم اقتصادی از آمریکا به سوی اروپا و کشورهای متحد آن کشور در حوزه‌ی خاورمیانه انجام پذیرد.

اگر این کشورها به همکاری‌های اقتصادی خود با سوریه پایان دهند و یا اینکه سرمایه‌گذاری خود در سوریه را محدود نمایند، در آن شرایط دولت بشار اسد با مشکلات اقتصادی فراگیر روبرو می‌شود. چنین الگویی مورد توجه امریکا برای محدودسازی قدرت سوریه در راستای کاهش مبادلات اقتصادی و تولید ناخالص داخلی آن کشور انجام شده است. از آنجایی که رونق اقتصادی سوریه بستگی به میزان مشارکت آن کشور با واحدهای اروپایی و کشورهای منطقه‌ای دارد، از این رو در صورت گسترش تحریم‌های اقتصادی با شکنندگی امنیتی بیشتری روبرو می‌شود. (۷)

### ج) اعزام نماینده حقوق بشر سازمان ملل به سوریه

بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی یکی از ابزارهای جنگ نرم برای مقابله با کشورهای هدف محسوب می‌شود. از سوی دیگر، نهادهای اجتماعی حقوق بشر می‌تواند زمینه‌ی تصاعد محدودیت‌های امنیتی علیه سوریه را به وجود آورد. فرایندی که همواره عامل ایجاد تهدید علیه کشورهای مورد نظر بوده است. هدف از اعزام نماینده‌ی حقوق بشر امریکا به سوریه آن است که نشان دهد بشار اسد از سیاست سرکوب در برخورد با مخالفین استفاده می‌کند.

به موازات بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، مجموعه‌های اطلاعاتی امریکا تلاش دارند تا گروه‌های معترض را وارد عرصه‌ی اعتراض اجتماعی نمایند. حمایت مستقیم دیپلماتها و سرویس‌های اطلاعاتی امریکا از گروه‌های اجتماعی مخالف بشار اسد، منجر به حضور فراگیر آنان در محیط اجتماعی گردیده است. در چنین فرایندی سرکوب مخالفین، آسیب‌پذیری دولت سوریه را افزایش می‌دهد.

زمانی که سرکوب گروه‌های اجتماعی سوریه انجام پذیرفت، در آن شرایط امریکا تلاش همه‌جانبه‌ای را به انجام رساند تا اقدامات سوریه را به عنوان تهدید علیه حقوق بشر تلقی نماید. در چنین شرایطی، امریکا از سازوکارهای بین‌المللی برای از بین بردن مشروعیت سیاسی سوریه استفاده کرده است. اعزام نماینده مخصوص حقوق بشر سازمان ملل به سوریه اولین گام برای کاهش مشروعیت سیاسی بشار اسد می‌باشد. این امر با انگیزه‌ی ایجاد محدودیت سیاسی و حقوقی برای بشار اسد انجام گرفته است. از سوی دیگر وقتی که گروه‌های اپوزیسیون با حمایت بین‌المللی

روبرو می‌شوند از انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری برای مقابله با نظام سیاسی فراروی خود برخوردار می‌شوند. (۸)

در چنین شرایطی، واشنگتن شورای حقوق بشر سازمان ملل را برای اعزام نماینده‌ی مخصوص به سوریه تحت فشار قرار داده است. روزنامه‌ها و رسانه‌های امریکایی نیز تلاش دارند تا نشانه‌های عدم رعایت حقوق بشر در سوریه را منعکس سازند. این امر با بزرگنمایی بسیار زیادی انجام گرفته است. سیاست تبعیض حقوق بشر امریکا در برخورد با کشورها تابعی از ضرورت‌های سیاسی محسوب می‌شود. دیپلماتها و رسانه‌های امریکایی از یک سو مبادرت به نادیده گرفتن حقوق بشر در عربستان می‌نمایند، از سوی دیگر تلاش دارند تا نشانه‌های مربوط به واکنش دولت سوریه نسبت به گروه‌های تظاهرکننده‌ی داخلی را در سطح گسترده‌ای منعکس نمایند.

تا به این تاریخ، بشار اسد از همکاری با شورای حقوق بشر سازمان ملل سرباز زده است. این امر به مفهوم آن است که اگر چنین نماینده‌ای به سوریه اعزام شود، آثار امنیتی زیادی بر سیاست و رفتار دولت سوریه به جا می‌گذارد. از همه مهمتر آنکه، چنین اقدامی منجر به واکنش همکاری جویانه کشورهای چین و روسیه با نماینده حقوق بشر سازمان ملل می‌شود. این کشورها نمی‌توانند واقعیت‌های مربوط به سرکوب شهروندان در سوریه را نادیده انگارند.

#### د) بازخوانی پرونده تسلیحاتی سوریه

اگر فرایند انقلاب رنگی در کشورهای هدف دچار فرسایش گردد. در آن شرایط امریکا از الگوی تصاعد بحران برای مقابله‌ی گسترده با کشور هدف بهره می‌گیرد. بنابراین هرگاه کشوری به عنوان سوژه‌ی بین‌المللی انتخاب شود، طیف گسترده‌ای از اتهامات علیه آن کشور سازماندهی می‌شود. از جمله اتهامات دیگری که امریکا برای مقابله با سوریه در دستور کار قرار داده است را می‌توان در حوزه‌ی نظامی و استراتژیک مورد ارزیابی قرار داد.

اگر چه سوریه تلاش دارد تا به توازن نسبی راهبردی با اسرائیل دست یابد، اما این امر به دلیل سیاست تبعیض‌آمیز تسلیحاتی امریکا حاصل نگردیده است. به طور کلی توازن قدرت از سوی سوریه به عنوان بخشی از ضرورت‌های امنیتی و راهبردی آن کشور محسوب می‌شود. برای تحقق

چنین هدفی، زمامداران سوریه تاکنون به قابلیت‌های متنوعی از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک دست یافته‌اند. در سال‌های گذشته نیز موضوع فعالیت هسته‌ای سوریه و بمباران آن توسط اسرائیل از سوی رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی منعکس گردید.

در شرایط موجود امریکا تلاش دارد تا بدون توجه به ضرورت‌های توازن منطقه‌ای، نسبت به فعالیت‌های نظامی بشار اسد، حساسیت اجتماعی و بین‌المللی به وجود آورد. اگر چنین فعالیت‌هایی توسط نهادهای بین‌المللی بررسی شود، فشار مضاعف بر دولت سوریه وارد می‌شود. امریکا در صدد است تا دولت سوریه را با فشارهای چندجانبه روبرو نماید. استراتژیست‌های امریکایی بر این اعتقادند که تنها از این طریق می‌توان سوریه را در سیاست بین‌الملل منزوی نمود. (۹)

استراتژیست‌های امنیتی امریکا بر این اعتقادند که به کارگیری سیاست شفاف‌سازی قدرت نظامی سوریه منجر به ایجاد صحنه جدیدی در برابر موضوعات امنیت ملی آن کشور محسوب می‌شود. در راستای چنین سناریویی، پرونده هسته‌ای سوریه در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد بازبینی قرار می‌گیرد. این امر بدون توجه به قابلیت هسته‌ای اسرائیل شکل خواهد گرفت. فشار سیاسی علیه سوریه به عنوان پروژه‌ای محسوب می‌شود که مطلوبیت لازم برای اهداف راهبردی امریکا جهت محدودسازی قدرت منطقه‌ای سوریه را به وجود می‌آورد. چنین فرایندی زمینه‌های لازم برای محدودیت ژئوپلیتیکی علیه سوریه را در سیاست بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

برخی از استراتژیست‌های امریکایی تلاش دارند تا الگوی رفتاری علیه ایران را در ارتباط با سوریه مورد استفاده قرار دهند. اگر تلاش امریکا برای ارجاع پرونده هسته‌ای سوریه به شورای امنیت موفقیت‌آمیز باشد، فشار بین‌المللی علیه بشار اسد گسترش می‌یابد. کشورهای روسیه و چین نیز موافق درک دقیق‌تری از ذخیره سلاح‌های کشتار جمعی سوریه هستند. آنان خواستار آنند که این سلاح‌ها مورد کنترل قرار گرفته و در اختیار گروه‌های گریز از مرکز قرار نگیرد. به همین دلیل است که احتمال همکاری برخی از قدرت‌های بزرگ با سیاست‌های منطقه‌ای امریکا وجود دارد.

کشورهای چین و روسیه بر این اعتقادند که اگر سوریه به قابلیت‌های هسته‌ای دست پیدا کند، در آن شرایط چنین ابزارهایی را در اختیار گروه‌هایی همانند حزب الله و جهاد اسلامی قرار می‌دهند.

این امر به عنوان احساس تهدید برای قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود. آمریکا برای مقابله با دولت سوریه تلاش دارد تا از تاکتیکی که در برخورد با ایران بهره گرفته، مجدداً استفاده نماید. لازم به توضیح است که وتوی قطعنامه‌ی شورای امنیت علیه سوریه توسط روسیه و چین را می‌توان گام جدید در جهت محدودسازی تحرک ژئوپلیتیکی آمریکا و کشورهای اروپایی در خاورمیانه دانست. (۱۰)

#### هـ) تأکید بر عدم مشروعیت سیاسی بشار اسد

رییس جمهور آمریکا تلاش دارد تا موضوع مربوط به عدم مشروعیت دولت سوریه را به عنوان یکی از معضلات امنیت بین الملل مورد پیگیری قرار دهد. در راستای تحقق چنین هدفی، کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلستان بر ضرورت تغییر سیاسی در سوریه تأکید داشتند. سوریه در شرایطی از مشروعیت سیاسی برخوردار است که مواضع متحدین آمریکا، پراکنده و غیرمنسجم باشد. صراحت رییس جمهور آمریکا برای تغییر بشار اسد، منجر به هماهنگی نگرش متحدین آمریکا گردیده است.

دولت‌های چین و روسیه نیز به بشار اسد هشدار داده‌اند که سیاست‌های انعطاف‌پذیرتری را در برخورد با گروه‌های اجتماعی و شهروندان سوریه به کار گیرد. اجلاس‌یه‌ی اتحادیه‌ی عرب که در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱ برگزار گردید، به عنوان نمادی از مقاومت مشروط کشورهای عرب در برابر سیاست آمریکا محسوب می‌شود. در این اجلاس‌یه بار دیگر حاکمیت بشار اسد مورد توجه قرار گرفته و از دولت سوریه درخواست نموده‌اند تا تغییرات الگویی در رفتار سیاسی خود با شهروندان و گروه‌های مخالف ایجاد نمایند. (۱۱)

این امر نشان می‌دهد که بشار اسد هنوز از مشروعیت لازم در حوزه‌ی سیاست منطقه‌ای و بین المللی برخوردار است. اگرچه کشورهای منطقه، روسیه و چین تلاش دارند تا از الگوی اصلاحات در سوریه حمایت به عمل آورند، اما چنین روشی مورد توجه آمریکا و حلقه‌ی اصلی متحدین آن کشور قرار نگرفته است. آنان در صدد هستند تا از طریق ایجاد فرسایش و تشدید منازعات درون-ساختاری، زمینه برای افول حکومت بشار اسد فراهم گردد. طبعاً الگوی رفتاری آنان با کشورهای اتحادیه‌ی عرب، روسیه و چین متفاوت خواهد بود.

اگر امریکا بتواند کشورهای اتحادیه عرب، روسیه و چین را با الگوی رفتاری خود هماهنگ سازد، سیاست اجرای اصلاحات دیگر نمی‌تواند به عنوان محور اصلی رفتار بین الملل با دولت بشار اسد محسوب شود. برخی از تحلیل‌گران با توجه به الگوهای کنش دولت سوریه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که اصلاحات واقعی هیچگاه در دمشق شکل نمی‌گیرد. اعلام رسمی عدم مشروعیت حکومت اسد و لزوم کناره‌گیری وی از قدرت می‌تواند عامل تهییج گروه‌ها و کشورهایی باشد که تغییر در حکومت سوریه برای آنان منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایجاد می‌کند. (۱۲)

### و) عدم توسل به زور علیه سوریه

بهره‌گیری از ابزار نظامی مخاطرات زیادی برای امنیت خاورمیانه خواهد داشت. ایران و حزب الله لبنان را می‌توان دو متحد اصلی سوریه دانست. آنان به هیچ وجه اجازه نخواهند تا زمینه‌ی انجام عملیات نظامی علیه دولت سوریه شکل گیرد. قابلیت نظامی ایران در منطقه ماهیت بازدارنده دارد. به همین دلیل است که استراتژیست‌های امریکایی تاکید داشته‌اند که گزینه توسل به زور علیه دولت بشار اسد هیچ‌گونه مطلوبیتی ندارد.

بنابراین در شرایطی که هدف اصلی انقلاب رنگی و جنگ نرم امریکا در سوریه مبتنی بر مشروعیت زدایی سیاسی می‌باشد، بهره‌گیری از نیروی نظامی علیه بشار اسد مخاطرات جنگ اسرائیل علیه کشورهای عربی را در خاورمیانه ایجاد می‌کند. در شرایط موجود، هرگونه بهره‌گیری از ابزار نظامی نتایج کاملاً متفاوتی را برای امریکا به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر می‌توان تاکید داشت که به کارگیری نیروی نظامی امریکا، کشورهای اروپایی و یا اسرائیل می‌تواند برای بشار اسد مشروعیت بخش باشد. در فرایند جنگ نرم و بهره‌گیری از گزینه‌ی انقلاب‌های رنگی، امریکا در صدد است تا بدون توسل به نیروی نظامی، زمینه نابودی دولت بشار اسد را به وجود آورد. (۱۳)

هم‌اکنون دو گزینه در برابر سیاست بشار اسد وجود دارد. گزینه اول مبتنی بر انجام اصلاحات است. اصلاحات سیاسی منجر به تصاعد مطالبات گروه‌های معترض می‌شود. در شرایط موجود، گروه‌های معترض توسط امریکا، ترکیه و عربستان سعودی هدایت می‌شوند. زمانی که هدایت گروه‌های سیاسی در خارج از کشور باشد، طبیعی است که شکل جدیدی از تعارض و رویارویی

به وجود می‌آید. ضرورت‌های انقلاب رنگی ایجاب می‌کند که انگیزه‌ی فشار اسد برای انجام اصلاحات افزایش یابد، اما قادر به اداره و مدیریت اصلاحات نباشد.

انجام هرگونه اصلاحات می‌تواند زمینه افزایش مطالبات گروه‌های اجتماعی فراگیرتری را در سوریه به وجود آورد. اگر اصلاحات به افزایش انتظارات سیاسی منجر شود، روند مشروعیت زدایی دولت بشار اسد افزایش می‌یابد. به همین دلیل است که امریکا به موازات محدودیت‌های سیاسی و بین‌المللی تلاش دارد تا دولت سوریه به انجام اصلاحات مبادرت نماید. برخی از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که انجام هرگونه اصلاحات، مشروعیت دولت سوریه را به میزان بیشتری کاهش می‌دهد. (۱۴)

ضرورت‌های انقلاب رنگی این انگیزه را در زمامداران امریکایی به ویژه دیوید پترائوس به وجود آورده است که امریکا نباید در تمام دنیا بجنگد. آنان بر این اعتقادند که برای تحقق اهداف سیاسی در کشورهای همانند سوریه باید از اراده و تلاش مردم و شهروندان برای دموکراسی و حقوق بشر حمایت شود. تغییر دموکراتیک در سوریه موقعیت امریکا را افزایش می‌دهد. به همان گونه که موقعیت ایران و جنبش مقاومت در فلسطین را کاهش خواهد داد. به همین دلیل است که تغییر سیاسی در سوریه مطلوب‌ترین گزینه امنیت منطقه‌ای امریکا در خاورمیانه برای محدودسازی ایران محسوب می‌شود.

## ۲- اهداف انقلاب رنگی سوریه

سوریه در زمره‌ی کشورهای محسوب می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ایران ایجاد کرده است. اگرچه ایران و سوریه دارای رویکردهای مختلف ایدئولوژیک می‌باشند، اما آنان تاکنون به دلیل ضرورت‌های امنیتی، ائتلاف خود را حفظ نموده‌اند. این امر، به مثابه همکاری متقابل برای رویارویی با دشمن مشترک محسوب می‌شود. هم‌اکنون طیف دشمنان مشترک ایران - سوریه افزایش یافته است. از جمله‌ی نیروهای تهدید کننده می‌توان به عربستان، امارات عربی متحده، اردن، امریکا و کشورهای اروپایی اشاره داشت.



امریکا در تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۱۱ سفیر خود از سوریه را فراخواند. این امر به مثابه تشدید تهدید علیه سوریه محسوب می‌شود. هرگاه امریکاییها سفیر و یا شهروندان خود از کشوری را فراخوانی نمایند، در آن شرایط جلوه‌هایی از گسترش تهدید مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. تهدید امنیتی به مثابه فرایند گسترده‌ای محسوب می‌شود که مبتنی بر تغییر فرایندهای کنش سیاسی و یا دگرگونی در ساختار سیاسی کشورهای هدف محسوب می‌شود. اگر هدف اولیه‌ی امریکا از انقلاب رنگی در سوریه را بتوان براندازی نظام سیاسی سوریه دانست، بنابراین طبیعی است که چنین اقدامی دارای پیامدهای متفاوتی خواهد بود. اهداف فراگیر امریکا در انجام انقلاب رنگی سوریه را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

#### الف) کنترل نفوذ ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه

نفوذ سیاسی ایران در خاورمیانه ماهیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی دارد. اگرچه ایران و سوریه فاقد همبستگی ایدئولوژیک هستند، اما آنان دارای منافع ژئوپلیتیکی مشترکی می‌باشند. اسرائیل به عنوان تهدید مشترک ایران و سوریه در خاورمیانه محسوب می‌شود. بنابراین، اگر نظام سیاسی سوریه تغییر پیدا کند، نگرش ژئوپلیتیکی آن کشور نیز تغییر خواهد یافت. در چنین شرایطی، دولت جدید سوریه تمایلی به ادامه همکاری‌های راهبردی با ایران نخواهد داشت. بنابراین امریکا از این الگو بهره می‌گیرد تا زمینه‌های کاهش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران در منطقه را فراهم آورد. (۱۵)

امریکاییها بر این اعتقادند که ایران برنامه‌های توسعه حوزه‌ی نفوذ خود در خاورمیانه را گسترش می‌دهد. آنان بر این اعتقادند که ایران تلاش دارد تا به موقعیت و جایگاه مؤثرتری در خاورمیانه عربی، خلیج فارس و سایر مناطق همجوار دست یابد. با توجه به چنین رویکردی، براندازی حکومت بشار اسد، ارزش‌های سیاسی جدیدی در سوریه را برجسته می‌سازد. ارزش‌های جدید سوریه منجر به کاهش نقش ایران در محور تهران تا غزه می‌شود.

تحلیل مقامات امنیتی امریکا بر این امر قرار گرفته است که اگرچه القاعده هنوز به عنوان یک دشمن ایدئولوژیک علیه امریکا محسوب می‌شود، اما این سازمان بعد از کشته شدن بن لادن در حال افول است. بن لادن می‌توانست میلیون‌ها عرب مسلمان را تحت تأثیر قرار دهد. افول القاعده،

تهدیدات امریکا از سوی گروه‌های ایدئولوژیک سنی را کاهش می‌دهد. در این شرایط جاذبه ایدئولوژیک القاعده در حال از بین رفتن است.

به موازات افول جایگاه القاعده در کشورهای اسلامی، رهیافت ایدئولوژیک و بین‌المللی ایران هنوز دارای جایگاه الهام بخش در ارتباط با منطقه‌ی خاورمیانه می‌باشد. در چنین شرایطی امریکا از الگوهایی استفاده می‌کند که به موازات مشروعیت زدایی از ساختار سیاسی سوریه، نقش منطقه-ای و قدرت راهبردی ایران در خاورمیانه را کنترل و با آن مقابله نماید. برای تحقق چنین هدفی، بهره‌گیری از الگوهای جنگ نرم و انقلاب رنگی، بیشترین مازاد استراتژیک را برای امریکا به وجود می‌آورد. (۱۶)

#### ب) برجسته‌سازی تهدید امنیتی ایران در امریکا

برخی از تحلیل‌گران امریکایی اعتقاد دارند که «تحولات خاورمیانه منجر به کاهش توجه مراکز راهبردی امریکا نسبت به نقش و سیاست‌های منطقه‌ای ایران گردیده است. آنان بر این اعتقادند که نباید ساختار و نهادهای سیاسی امریکا نسبت به ایران بی‌توجه شود. بنابراین آنان بر این موضوع تاکید دارند که امریکا باید سیاست‌هایی را در پیش گیرد که تهدید ایران در افکار عمومی مردم امریکا پر رنگ و فراگیر نشان داده شود. این افراد که در زمره‌ی گروه‌های اسرائیل محور در سیاست خارجی امریکا محسوب می‌شوند بر این اعتقادند که تحول سیاسی در کشورهای عرب همانند مصر، تونس، لیبی، بحرین و سوریه، توجه مقامات امنیتی امریکا به مسائل ایران را کاهش داده است. (۱۷)

از جمله‌ی این افراد می‌توان به پاتریک کلاوسون و رابرت ساتلوف از موسسه واشنگتن برای خاورمیانه اشاره داشت. آنان حتی به مواضع سیاسی امریکا نگرش انتقادی دارند. رویکرد آنان بر این امر قرار گرفته است که برخی از کارگزاران سیاست خارجی امریکا نسبت به تهدید ایران بی‌توجه هستند. آنان نسبت به مواضع تام دانیلون مشاور امنیت ملی امریکا نگرش انتقادی دارند. گروه‌های محافظه کار بر این اعتقادند که دانیلون در «اجلاسیه سالیانه سورف» که در ارتباط با موضوعات امنیتی امریکا در خاورمیانه می‌باشد، توجه محدودی نسبت به ایران مبذول داشته است.

**ج) برجسته‌سازی تهدید هسته‌ای ایران برای کشورهای مختلف**

گروه‌های افراطی در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا بر این اعتقادند که اگر موضوع فعالیت هسته‌ای ایران پیگیری شود، در آن شرایط دولت ایران در ارتباط با موضوعات منطقه‌ای همانند تحولات خاورمیانه و دگرگونی سیاسی در سوریه، انگیزه خود را از دست می‌دهد. بر این اساس آنان تلاش می‌کنند تا افکار عمومی بین‌المللی نسبت به تهدید ایران، عکس‌العمل شدیدتری را به انجام رساند. به طور کلی چنین گروه‌هایی تلاش می‌کنند تا رابطه‌ای سازمان‌یافته بین جایگاه منطقه‌ای ایران و تحولات سوریه ایجاد نمایند. بر اساس رویکرد مقامات و کارگزاران محافظه‌کار امریکایی، تغییر سیاسی در سوریه بدون مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. ساتلوف در این ارتباط بیان می‌دارد که :

«اگر ایران اعتبار سیاسی و امنیتی خود را از دست بدهد، در آن شرایط سوریه دوام سیاسی چندانی نخواهد داشت. باید قابلیت هسته‌ای ایران مورد توجه زمامداران آمریکا، نهادهای بین‌المللی و رسانه‌های تأثیرگذار بر افکار عمومی قرار گیرد.»

**د) حمایت از گروه‌های اپوزیسیون ضد حکومتی در ایران**

رویکرد آمریکا بر این امر قرار دارد که انقلاب رنگی در سوریه منجر به کاهش روابط متقابل امنیتی ایران - سوریه می‌گردد. بنابراین افول قدرت سیاسی در سوریه به معنای کاهش قدرت تأثیرگذار ایران در منطقه محسوب می‌شود. در چنین شرایطی امریکاییها تلاش می‌کنند تا جبهه‌های مختلفی برای مقابله با جمهوری اسلامی به وجود آورند. برای تحقق چنین هدفی، تأثیرگذاری بر فرایندهای سوریه، عراق و افغانستان به عنوان ۳ جبهه منطقه‌ای در مقابله با ایران تلقی می‌گردد. (۱۸)

تحقق این امر در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که آمریکا از کشورهای منطقه برای مهار قدرت ایران در ۳ کشور یاد شده استفاده نماید. ترکیه و عربستان سعودی به عنوان بهترین کشورهای منطقه‌ای برای رقابت با اهداف ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شوند. اگر اعتبار منطقه‌ای ایران کاهش یابد، مشروعیت سیاسی آن کشور در نزد افکار عمومی و حامیان سیاسی خود به میزان

قابل توجهی افول خواهد کرد. به همین دلیل است که مقابله با ایران از طریق افزایش همکاری‌های منطقه‌ای امریکا با ترکیه و عربستان در مقابله با ساختار سیاسی سوریه محسوب می‌شود.

اقدامات یاد شده به عنوان ابزارهای متنوعی در جهت مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود. تحرک گروه‌های اپوزیسیون در شرایط موجود بسیار محدود است. به همین دلیل است که گروه‌های محافظه‌کار امریکایی تلاش می‌کنند تا زمینه‌ی ایجاد تحرک در اپوزیسیون ضد حکومتی ایران را به وجود آورند. تحقق این امر در شرایطی امکان‌پذیر است که زمینه‌های لازم برای کاهش نقش رسانه‌ای ایران به وجود آید. به موازات چنین اقداماتی امریکاییها تلاش دارند تا نقض حقوق بشر در ایران را به عنوان یکی از موضوعات مطرح در شورای امنیت سازمان ملل پیگیری نمایند. چنین اقداماتی به منزله‌ی تلاش دو جانبه برای محدودسازی جایگاه سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه محسوب می‌شود.

### نتیجه‌گیری

الگوی رفتار امریکادر سوریه نشان می‌دهد که این کشور تلاش دارد تا از مدل‌های مربوط به انقلاب رنگی برای تهییج گروه‌های اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی سوریه استفاده نماید. چنین اقداماتی را می‌توان نماد مقابله با کشورهای رادیکال دانست. کشورهایی که از انگیزه-ی لازم برای گسترش فرهنگ سیاسی مقاومت برخوردارند. سیاست امنیتی اوباما را می‌توان بهره-گیری از الگوهایی دانست که زمینه‌های لازم برای بی‌ثبات‌سازی ساختار سیاسی سوریه را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر چنین فرایندی منجر به تحولات ژئوپلیتیکی خواهد شد. ویژگی‌های رفتاری انقلاب رنگی اوباما در برخورد با سوریه را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

۱- انقلاب‌های رنگی کلاسیک معطوف به براندازی ساختاری برای جایگزینی نظام سیاسی جدید محسوب می‌شود. انقلاب رنگی اوباما در سوریه برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی امریکا در خاورمیانه و مقابله با استراتژی منطقه‌ی ایران تلقی می‌گردد.

۲- در انقلاب رنگی اوپاما، الگوهای متنوعی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به فشارهای سیاسی - امنیتی از طریق کشورهای منطقه‌ای اشاره داشت. ترکیه و عربستان سعودی به عنوان دو متحد آمریکا در برخورد با سوریه محسوب می‌شوند.

۳- در روند انقلاب رنگی آمریکا علیه سوریه، نهادهای منطقه‌ای همانند اتحادیه‌ی عرب و همچنین نهادهای بین‌المللی همانند شورای امنیت سازمان ملل ایفای نقش نموده‌اند. این امر نشان می‌دهد که انقلاب عصر اوپاما از ابزارهای دیپلماتیک نیز استفاده نموده است. دیپلماسی یکی دیگر از ابزارهای تاثیرگذاری آمریکا در برخورد با کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود.

۴- در انقلاب‌های رنگی کلاسیک، فرایند براندازی سیاسی محدود و یک بعدی بود. در روند انقلاب رنگی اوپاما، جلوه‌هایی از تغییر در توازن قدرت مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد.

#### منابع فارسی و انگلیسی

- ۱- ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۱)، "موج سوم دموکراسی در قرن ۲۱"، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، فرهنگ معاصر، ص ۲۵۱.
- ۲- جوزف نای، "قدرت نرم"، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۷، ص ۴۹.
- ۳- ژان میلسون و همکاران، "دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین‌الملل"، ترجمه رضا کله‌ر و محسن روحانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱.
- 4- Anthony H. Cordesman (2011, April 27), "Iranian and Saudi Competition in the Gulf", United States Institute of Peace, **The Iran Primer**, (<http://iranprimer.usip.org/blog/2011/apr/27/iranian-and-saudi-competition-gulf>).
- 5- Marina Ottaway (2011), "Bahrian: Between the United States and Saudi Arabia", Carnegie Endowment for International Peace. (<http://www.carnegieendowment.org/2011/04/04/bahrain-between-united-states-and-saudi-arabia/t8>).
- 6- Martin Indyk (2011, April 8), "Amid the Arab Spring, Obama's dilemma over Saudi Arabia", The Washington Post. ([http://www.washingtonpost.com/opinions/amid-the-arab-spring-obamas-dilemma-over-saudi-arabia/2011/04/07/AFhILDxC\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/opinions/amid-the-arab-spring-obamas-dilemma-over-saudi-arabia/2011/04/07/AFhILDxC_story.html)).
- ۷- تامارا کافمن ویتس (۱۳۹۰)، "گام‌های لرزان آزادی؛ نقش آمریکا در بنای دموکراسی در جهان عرب"، ترجمه: سیدداوود آقایی و حسن احمدیان، تهران، نشر سرای عدالت، ص ۱۹۱.

8- *Modawy Al-Rasheed (2011, April 19) "The Saudi Complex: Power vs. Rights", Open Democracy, (<http://www.opendemocracy.co.uk/madawi-al-rasheed/saudi-complex-power-vs-rights>).*

9- <http://www.Syria-post.net/index.php?news=12761>.

10- *Pew Research Center, (2011), Arab Spring Fails to Improve U.S. Image.*

11- <http://www.medianews.ir/fa/2011/03/03/youtube-facebook-syria.html>.

12- *"Obama's Speech in Cairo", (2009, June 4), New York Times.*

۱۳- عبدالرحمن الراشد (۲۰۱۱، ۱۵ مارس)، «البحرین: شیعه و سنه»، الشرق الاوسط، العدد ۱۱۷۹۵.

۱۴- خیرگزاری آران، (۱۳۹۰)، مترجم قائم مقامی، علی، سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه، آدرس سایت

<http://www.arannews.ir>

15- *Setime (2011), Turkey Changes Stance on Libyan Crisis, available at*

<http://www.setime.com>.

۱۶- احمد جهان‌بزرگی (۱۳۸۸)، "امنیت در نظام سیاسی اسلام - اصول و مولفه‌ها" تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه

و اندیشه اسلامی، ص ۱۴۵.

۱۷- حسین صادقی، و حسن احمدیان، (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن؛ امکانات و چالشها»، راهبرد، شماره

۵۶، پاییز ۱۳۸۹، صص ۲۸۰-۲۵۳.

۱۸- علی ربیعی (۱۳۸۳)، "مطالعات امنیت ملی"، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۲۹.